

ماهیت حقوقی دیه

دکتر اسرافیل سبحانی

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران. ایران.

محسن بخشی

دانش آموخته ارشد حقوق خصوصی، قاضی دادگستری استان قم

چکیده

دیه به عنوان یک نهاد حقوقی مورد پذیرش اسلام بوده و از احکام امضائی اسلام می باشد که در دوران قبل از اسلام نیز وجود داشته و با ظهور اسلام مورد پذیرش و امضاء قرار گرفته است و دلیل پذیرش آن قرآن، سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و اجماع فقهاء می باشد. ماهیت دیه از مباحث تأثیرگذار در بحث دیات می باشد، چرا که پذیرش هر نوع ماهیت برای دیه آثاری را در پی دارد. چنانچه ماهیت دیه را مجازات بدانیم باید گفت، طبق قواعد باب ضمان و مسئولیت مدنی، مجنی علیه می تواند علاوه بر دیه دریافتی، با طرح دادخواست، جبران ضرر و زیان که بر اثر عمل مجرم به وی وارد شده است مطالبه نماید و دادگاه نیز با احراز رابطه سببیت بین ضرر وارده و عمل مجرم حکم به جبران دهد لکن اگر دیه را دارای ماهیت مدنی (جبرانی) بدانیم که از طرف شارع مقدس جهت جبران خسارت زیان دیده تعیین گردیده است بدلیل تعیین میزان آن نمی توان چیزی علاوه بر دیه به عنوان جبران خسارت از مرتکب عمل (مجرم) مطالبه نمود. همچنین ضرورت بحث و بررسی ماهیت حقوقی دیه از آنجا عیان میگردد

واژگان کلیدی: دیه، ارش، مجازات های مالی، خسارت، مجازات

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 16

Pages 1-17

The Legal Nature of Diyah

Dr. Israfil Sobhani

Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tehran Branch. Iran.

Mohsen Bakhshi

Senior Scholar of Private Law, Judge of Justice of Qom Province

Abstract

Diyah is accepted as a legal institution in Islam and is one of the signature rulings of Islam that existed in the pre-Islamic era and was accepted and signed with the advent of Islam. The reason for its acceptance is the Quran, the Sunnah of the Prophet and the Ahlul Bayt (peace be upon them) and the consensus of jurists. The nature of diyah is one of the influential issues in the discussion of diyah, because accepting any type of nature for diyah has consequences. If we consider the nature of blood money as punishment, it should be said that, according to the rules of the chapter on guarantee and civil liability, the victim can, in addition to the blood money received, demand compensation for the damage and loss caused to him by the act of the offender by filing a lawsuit, and the court can also order compensation by establishing a causal relationship between the damage caused and the act of the offender. However, if we consider blood money to be of a civil (compensatory) nature that has been determined by the holy law to compensate the injured party, then due to the determination of its amount, nothing in addition to blood money can be demanded as compensation from the perpetrator of the act (criminal). Also, the necessity of discussing and examining the legal nature of blood money becomes apparent from there.

Keywords:

Blood money, Arsh, Financial penalties, Damage, Punishment

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

پیشینه دیه به عصر زراعت برمی گردد و مدرکی که دلالت بر وجود دیه قبل از عصر مذکور باشد وجود ندارد، در آن زمان ضرورت‌های متعددی تأسیس نظام دیه را موجب گشت؛ نیاز شدید جوامع آن روز به نیروی انسانی برای افزایش قدرت خود در برابر تجاوزات دیگران، همچنین نقش جدی نیروی انسانی در امر شکار و کشاورزی از جمله عواملی بودند که در جایگزینی دیه به جای انتقام تأثیر زیادی داشتند^۱.

در آغاز، طرفین برای انتخاب دیه مختار بودند به گونه ای که اولیاء دم می توانستند با توسل به قدرت خویش، تقاضای جانی و خانواده او را رد کنند و از جانی انتقام بگیرند. چگونگی وقوع قتل در همه حالات، از شرایط یکسانی برخوردار نیست، در مواردی اخذ دیه، طریق و راه مناسب و شرافتمندانه حل و فصل منازعات نمی بود. چون گاهاً مطالبه دیه، نشانگر ضعف و سستی قبیله اولیاء دم در برابر قبیله جانی بود. فلذا دریافت دیه یک استثناء تلقی شده و قصاص و انتقام از جانی به عنوان اصل و قاعده کلی محسوب می گردید. پس از اینکه دولتهای اولیه تشکیل شد در مواقعی که اجبار طرفین منازعه به سازش و قبول دیه ممکن بود، پرداخت دیه الزامی گردید. کیفیت و کمیت دیه نیز تحت تأثیر عوامل مختلف در جوامع دچار تحول گردید، این دگرگونی ها در مواردی متناسب با مراحل تحول

جامعه و از طرف دیگر هماهنگ با اختلاف طبقات اجتماعی موجود در خود آن جامع پدیدار شد.

در ابتدا دیه به صورت اضرار و آلات کشاورزی پرداخت می شد، چرا که اشیاء با ارزش در آن زمان این ابزار بودند. سپس افرادی از خانواده جانی به عنوان دیه به اولیاء دم تحویل می شدند و پس از آن حیواناتی که می توانستند در حمل و نقل و زراعت کارایی داشته باشند و بالاخره پرداخت وجه نقد معمول گردید.

مدارک به دست آمده از جوامع و تمدن های کهن غربی نشانگر وجود نظام پرداخت دیه در جنایات می باشند، چنانکه الواح دوازده گانه در روم، امکان سازش میان مجنی علیه و جانی را با پرداخت دیه پذیرفته است. در نخستین مجموعه قانونی که در قرن هفتم میلادی در انگلستان تدوین شد و به نام شاه ساکسونی معروف گردید، مجنی علیه در انتقام یا گرفتن دیه مخیر شناخته شده بود چنانچه نظام پرداخت دیه در جزایر بریتانیا و در میان عشایر ژرمن نیز وارد گردید.

در حقوق اسلامی طلب دیه در جنایات عمدی، با عنوان یک اقدام داوطلبانه که منوط به رضایت طرفین است، مورد تشویق و توصیه قرار گرفته ولیکن واکنش در برابر جنایات غیر عمدی به جز شرایطی خاص، به پرداخت دیه منحصر شده است. در نظام حقوقی اسلام، کمیّت و کیفیت اخذ دیه نسبت به کلیه گروه های اجتماعی یکسان می باشد یعنی طبق نظام حقوقی اسلام، جانی از هر گروه اجتماعی که باشد ملزم به پرداخت

^۱ - عوض احمد ادريس، الدية بين العقوبة والتعويض، ص ۳۸-۳۷ وسيد

منصور مير سعیدی، ماهیت حقوقی دیات، صفحه ۱۶ به بعد

برخی از فقها امامیه در تعریف دیه گفته اند: دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو انسان واجب می گردد. در تحریر الوسیله حضرت امام (ره) آمده است «وهی المال الواجب بالجناية علی الحر فی النفس أو ما دونها، سواء کان مقدراً أو لا، وربما یسمى غیر المقدّر بالأرث والحکومه، والمقدّر بالديه»^۵ دیه مالی است که به جنایت بر حرّ در نفس یا پایین تر از آن، واجب می شود، چه مقدّر باشد یا نه و چه بسا غیر مقدّر به دیه نامیده می شود.

دکتر محمد هادی صادقی در کتاب جرایم علیه اشخاص، آورده است: «دیه عکس العملی جبرانی است که تأسیس آن فرصت مناسبی را در گریز از تمسک به ابزارهای سرکوبگر کیفری فراهم نموده و در همین حال ترمیم خسارات و صدمات وارده به مجنی علیه را نیز ممکن می سازد. چرا که پیش بینی اختیار اخذ دیه، درجانیات عمدی زمنیه مؤثری را در ترغیب مجنی علیه به عدم مطالبه قصاص پدید آورده است»^۶.

قانونگذار، دیه را در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی چنین تعریف نموده: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می شود.» بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق که در تعریف دیه ماده ۱۵ بیان می

دیه می باشد مگر مجنی علیه عفو نماید به عبارت دیگر مجنی علیه از هر طبقه اجتماعی که باشد حق مطالبه دیه را دارد. بدین وسیله امکان پیدایش اختلافات طبقاتی و تمایزات اقتصادی منتفی شده است.

در آثار قدما و متأخران فقهای شیعه موضوع ماهیت دیه کمتر مورد نظر قرار گرفته است و با صراحت در مورد آن اظهار نظری نشده است. لکن مواجهه با قوانین جدید و برخی مشکلات عملی مانند بحث خسارات مازاد بر دیه موجب گردید برخی از فقهاء معاصر نسبت به موضوع اظهار نظر صریح نمایند. اولین بار در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ از دیه به عنوان جزای مالی نام برده شد و آن را جزو کیفرهای قانونی قرار دادند.^۲

تعریف دیه و ارش

دیه در لغت مصدر بوده و مشتق از «ودی» به معنی پرداخت دیه است که «واو» آن حذف و «هاء» به عوض آن در آخر کلمه افزوده شده است.^۳ دیه را به عقل نیز معنی کرده اند، زیرا از معنای عقل، «منع» است و دیه مانع جرأت بر ارتکاب جنایت میگردد. همچنین در مواردی دیه به معنی دم و خون آمده که نامگذاری مسبب است به اسم سبب آن.^۴

۳- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۲

۱- روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۲ (اول کتاب الدیات)

۲- صادقی، محمد هادی، کتاب جرایم علیه اشخاص، ص ۲۴۹

۱- رضا شکری، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، ص ۹۱.

۲- ابن منظور، لسان العرب، شهید ثانی، مسالک، ج ۲، ص ۴۸۹

خصوصیت و اختلاف، برانگیختن و شوراندن بعضی بر بعض دیگر و خونبهای جراحت آمده است.^۸

اما ارش در فقه اینگونه تعریف شده است که در جنایات غیر از نفس، چنانچه برای تلف عضو یا نقص و صدمه ای که بر آن وارد آمده است دیه ای از طرف شارع مقدّر نشده باشد، ارش گرفته می شود.^۹

تعریف ارائه شده توسط دکتر محمد هادی صادقی بعنوان نمونه ای از تعاریف ارائه شده توسط اساتید بدین شرح است: «مراد از ارش در اصطلاح حقوقی، مقدار مال غیر معینی است که به سبب صدمه و نقص حاصل از جنایت به وسیله جانی پرداخت می گردد، همچنین به مالی که به سبب نقص مضمون در مال اخذ میشود، ارش گفته می شود.»^{۱۰}

آنچه جهت تشحیذ ذهن باید بیان داشت اینستکه مجازات اصلی در جنایت عمدی بر نفس و جنایت بر عضو و منافع، قصاص است^{۱۱} و در صورت توافق اولیاء دم با قاتل مبنی بر عدم قصاص و پرداخت دیه یا توافق مجنی علیه با جانی در جنایت بر عضو بر عدم قصاص و پرداخت دیه (وجه المصالحه) با توجه به توافق طرفین مبلغ مورد توافق خواه بیش از دیه

داشت: «دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.» که این تعریف شامل ارش نمی گردید قانونگذار با تعریف مندرج در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ارش را جزو دیه بیان نموده و از آن به دیه غیر مقدر (دیه ای که میزان آن در شرع مشخص نگردیده است) تعبیر و تعریف می نماید. لذا مطابق تعریف ارائه شده در قانون دیه بر دو قسم دیه معین و دیه نامعین (ارش جزایی) می باشد.^۷

در ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی تعریف دیه مقدر ارائه و در ماده ۴۴۹ قانون موصوف در تعریف دیه غیر مقدر بیان داشته است: «ارش، دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می کند.» لذا مطابق ماده مذکور و منابع فقهی، چنانچه مقدار ما به ازاء مالی جنایت وارد بر انسان از طرف شارع تعیین نشده باشد، ارش یا حکومت پرداخت می گردد، پس لازم است تعریفی از ارش یا حکومت بیان شود.

ارش که حکومت نیز به آن اطلاق می شود، در لغت به معانی مختلفی مانند ارج، اندازه معینی از دست (حدود نیم متر)،

از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد.» و ماده ۴۵۰ قانون موصوف: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می شود، مگر به نحو دیگری مصالحه شود.» و ماده ۱۶ قانون موصوف: «قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است...»

۳- رضا شکری، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، ص ۹۱.

۱- ابن منظور، لسان العرب و نیز لغت نامه دهخدا.

۲- خوئی، حاج سید ابولقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳- صادقی، محمد هادی، جرایم علیه اشخاص، ص ۲۵۴.

۴- ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی: «مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون

۳) ایجاد تناسب میان جرم و مجازات نقدی از هر مجازات دیگری آسانتر است. یعنی می توان مجازات نقدی را به میزان و شدت تقصیر بزهکار معین کرد.

۴) جزای نقدی بهترین پیشگیری کننده در برابر جرایم علیه مالکیت است. کسانی که به جهت جمع و گردآوری مال و ثروت به مالکیت دیگران متعرض می شوند مانعی بازگرداننده بر سر راه خود می بینند.

۵) جزای نقدی از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه است. در حالیکه اجرای مجازات زندان برای دولت هزینه دارد، مجازات نقدی نه تنها برای دولت هزینه ندارد، بلکه منبع درآمد نیز به شمار می آید.
معایب:

۱) مجازات نقدی مغایر با اصل شخصی بودن مجازاتها است. زیرا اجرای کیفر نقدی باعث کسر و نقصان دارایی همه کسانی است که از این منبع، زندگیشان تأمین می شود و تضییع حقوق مالی احتمالی آنها است مثلاً موجب تضییع حقوق مالی خانواده بزهکار می گردد. ولیکن آنچه که روشن است این مطلب می باشد که این ایراد چندان وارد نیست زیرا اجرای هر مجازاتی، خواه ناخواه آثاری دارد و بخشی از این آثار به خویشان بزهکار سرایت می کند. مجازات حبس نیز دارای این عیب می باشد چرا که با حبس شخص و عدم فعالیت اقتصادی

مقدر باشد یا کم پرداخت خواهد شد.^{۱۲} در جنایت شبه عمدی و خطای محض مجازات پرداخت دیه می باشد.^{۱۳}

مجازات های مالی

مجازات های مالی شامل جزای نقدی و ضبط یا مصادره اموال می باشد که به شرح ذیل مختصراً اقدام به تعریف و توضیح آن می گردد.

مجازاتهای نقدی : جزای نقدی جزو مجازاتهای اصلی است و عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. حقوقدانان برای مجازاتهای نقدی مزایا و عیوبی را ذکر کرده اند که به اختصار بیان می کنیم.

مزایا:

۱) مجازات زندان در هر صورت آثار مخرب روانی و جسمانی بر روی بزهکار دارد ولی مجازات نقدی موجب فساد و تباهی در رفتار بزهکار نمی گردد.

۲) مجازات زندان اثر ارعایی و بازدارنگی همیشگی ندارد و بزهکار پس از تحمل مکرر حبس، به دشواریهای زندان عادت می کند ولیکن مجازات مالی، هرچند بار صورت پذیرد آزار دهنده برای بزهکار می باشد.

۶- ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی.

۵- ماده ۳۶۱ قانون مجازات اسلامی : « اگر مجنی علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصالحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.»

محکوم علیه یقیناً خانواده وی و خصوصاً افراد واجب النفقه محکوم علیه متضرر خواهند شد.

۲) در اجرای مجازات نقدی، اصل برابری مجازاتها رعایت نمی شود زیرا تهی دستان بیش از توانگران از اجرای این نوع مجازات آسیب می بینند. دادگاه نیز ابزاری برای سنجش میزان قدرت و تمکن مالی اشخاص در اختیار ندارد.

۳) اجرای مجازات نقدی همیشه حتمی نیست بلکه اعسار محکوم علیه مانع وصول جریمه نقدی است و سرانجام به حبس او منتهی خواهد شد.

۴) در بسیاری از نظامهای کیفری تأدیه جریمه نقدی به جای محکوم علیه در صورت عجز او از پرداخت، مقبول می باشد. این شیوه یعنی خالی کردن مفهوم مجازات از محتوای واقعی خود و بی تأثیر کردن آن.

۵) مجازات نقدی، اثر رسوا کنندگی ندارد، به همین دلیل بزهکاران با طیب خاطر آن را می گردانند تا از سرزنش عمومی در امان باشند. البته این عیب را میتوان به نوعی جزو محسنات مجازات جریمه نقدی دانست چرا که هدف اصلی از مجازات ها تنبه و اصلاح بزهکار است و هرچه مجازات محکوم علیه کمتر در جامعه شیوع پیدا کند به نظر بازدارنده تر است چرا که با بی حیثیت شدن محکوم در جامعه امکان برگشت وی برای ارتکاب جرم بیشتر است.

۶) اصل شخصی بودن مجازات ها در مورد جزای نقدی رعایت می گردد، لکن در مورد دیه (خطای محض) به لحاظ تحمیل آن بر عاقله رعایت نمی شود. حتی در برخی از موارد پرداخت دیه از بیت المال است.

۷) موارد پرداخت دیه در مورد جنایت بر انسان اعم از حی یا میت و بعضاً حیوان می باشد لکن جزای نقدی به عنوان نوعی مجازات تعزیری، دارای وسعت بیشتری می باشد.

۸) مجازات جزای نقدی قابل اسقاط نمی باشد لکن دیه قابل اسقاط و با رضایت مجنی علیه یا اولیای دم ساقط می گردد.

۹) پرداخت دیه منوط به مطالبه صاحب حق است لکن مجازات جزای نقدی بدون درخواست کسی تعیین میگردد.

۱۰) مجازات جزای نقدی قابلیت مصالحه ندارد لکن دیه در مواردی تبدیل به وجه المصالحه می شود.

۱۱) مجازات جزای نقدی مشمول عفو، تعلیق، تخفیف و تشدید میگردد لکن دیه از اعمال اینگونه تأسیسات مبری است.

۱۲) در اجرای مجازات نقدی اصل بر فوریت اجراء می باشد لکن در پرداخت دیه بسته به نوع جنایت قانون مهلت پرداخت پیش بینی کرده است (ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی).

۱۳) میزان دیه در شرع ثابت و مشخص می باشد لکن مجازات جزای نقدی نسبی بوده و دارای حداقل و حداکثر می باشد.

۱۴) مجازات جزای نقدی بر ماترک تعلّق نمی گیرد لذا با فوت محکوم علیه از ماترک برداشت نمی شود لکن دیه قابل برداشت از ماترک می باشد.

ضرر و خسارت مادی: در امور کیفری، ضرر و زیان مادی یا مالی خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی مجنی علیه وارد می شود و به صورت کاهش دارایی مثبت واز بین رفتن اعیان و اموال یا کاهش ارزش آنها، یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه مالی) متجلی می گردد. از بین رفتن مال گاهی به صورت نابودی کامل اموال و اشیاء و گاهی به صورت کاهش قیمت مال است.

منافع فوت شده: محروم شدن شخص از منفعی که عادتاً انتظار آنرا دارد، منافع (فائده) نامیده می شود. این گونه منافع به هنگام وقوع فعل زیانبار اعم از ارتکاب جرم و یا استیلاء نامشروع وجود ندارد و تحقق آن، موکول به آینده است. تفویض منفعت به دو صورت، محقق و و محتمل قابل تصور است.^{۱۵} فوت منفعت، به تلف منافع غیر مستوفات و تفویض منفعت مستوفات اطلاق می شود. در محقق بودن منافع اعیان اعم از مستوفات یا غیر مستوفات تردیدی نیست. در مقابل منافع محقق، منافع محتمل وجود دارد و آن منفعی است که در صورت عدم وقوع جرم احتمالاً و نه قطعاً عاید زیان دیده می شده است.

خسارت و ضرر معنوی: در قانون مسئولیت مدنی از خسارت معنوی تعریفی ارائه نشده است. اما قانونگذار در موارد مختلف همین قانون، ضرورت جبران این نوع از ضرر را مورد تأکید

مصادره اموال: مصادره یا ضبط اموال^{۱۴} عبارت است از استیلاي دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه. مصادره اموال بر دو گونه است: مصادره عام و خاص.

مصادره عام: مصادره عام توقیف اموال موجود محکوم علیه اعم از نقدی و غیر نقدی، منقول و غیر منقول است. آثار محکومیت عموماً به شخص محکوم علیه محدود نمی ماند، بلکه خانواده او را نیز متأثر می سازد. از این حیث مصادره عام را مجازات کیفری مغایر موازین انصاف و عدالت شناخته اند. برای حل این مشکل و جلوگیری از سرایت آثار مجازات به دیگران، قانونگذاران به چاره جویی دست زده اند.

مصادره خاص: مصادره خاص عبارت است از مالکیت دولت بر بخشی از اموال که گاه موضوع جرم، گاه ابزار و آلات جرم به شمار می آید. مثل کالاهای تقلبی، اسلحه غیر مجاز، آلات و اسباب قمار، اموال که از طریق تخلف قانونی به صورت نامشروع به دست آمده است.

جبران خسارت (مسئولیت مدنی)

برای اینکه به بحث جبران خسارت و ضرر پرداخته شود ابتداءً اقسام ضرر باید شناخته شود. اقسام ضرر را می توان اینگونه نام برد: ضرر مادی، منافع فوت شده، ضرر معنوی و ضرر جسمانی.

۱- حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ۴۰۷.

۱- هر دو اصطلاح با تفاوتی جزئی به یک معنی در قوانین موضوعه به کار رفته است.

قرار داده است.^{۱۶} مصادیقی از ضرر معنوی در قانون فوق الذکر درج گردیده است.

خسارت جسمانی: در اصل ۲۲ قانون اساسی ایران، مصونیت جسمانی شهروندان از هر گونه نقص، تضمین گردیده است و طبیعی است که در صورت ورود خسارتی به تمامیت جسمانی افراد، عامل آن مکلف به جبران می شود. لطمه های وارده بر تمامیت جسمانی ممکن است به جرح، نقص یا قطع عضو، بیماری و از کار افتادگی دائم یا موقت و یا مرگ مجنی علیه منجر شود.^{۱۷} و بدین ترتیب، خسارت وارد به زیان دیده می تواند جنبه مادی، معنوی و یا عدم النفع داشته باشد.

جبران خسارت: در مورد خسارت مادی (مالی) که اختلافی نیست که باید ضارّ تمام ضرر را جبران کند. در مورد عدم النفع باید گفت: اگر نفع، محقق باشد باید جبران شود و لیکن منافع محتمل قابلیت جبران ندارند زیرا درمنافع محتمل بین فعل زیانبار و عدم تحصیل منافع مورد ادعا رابطه علیّت وجود ندارد. البته در جبران عدم النفع محقق نیز اختلاف بین علماء حقوق وجود دارد.

در مورد خسارت معنوی بین حقوقدانان اختلاف وجود دارد. برخی قائل به جبران خسارت معنوی، برخی قائل به عدم جبران خسارت معنوی می باشند و برخی دیگر بین اقسام

مختلف ضرر معنوی قائل به تفکیک هستند که در اینجا مجال بیان دلایل هر گروه نمی باشد.^{۱۸}

اما آنچه که برای ما در این مقاله مهم است جبران خسارت و ضرر جسمانی می باشد. روشن است که برای جبران خسارت بدنی، دیه تعیین شده و مقدار آن نیز مشخص است و یا مجازات قصاص لحاظ شده است. ولیکن این سؤال مطرح است که آیا می توان جانی را بابت هزینه معالجات و خسارات از کار افتادگی به مبلغی بیش از دیه مقدر شرعی محکوم کرد. برای پاسخ به این پرسش نیازمند شناخت «ماهیت حقوقی» دیه می باشیم.

بررسی ماهیت دیه

از جمله مسائلی که از چند سال اخیر در حقوق ایران و حقوق دیگر کشور های اسلامی مطرح شده ماهیت حقوقی دیه است، به این معنی که آیا دیه از مصادیق مسئولیت کیفری است و در حیطه مجازات های قرار میگیرد یا اینکه از مصادیق مسئولیت مدنی است. به طور کلی در رابطه با ماهیت دیه از حیث مدنی یا کیفری بودن، سه نظر مطرح شده است.

عده ای دیه را مطلقاً مجازات می دانند که در مقابل جرمی که شخص مرتکب شده، اعمال می شود و هرگونه نظری را که دلالت بر جبران خسارت توسط دیه دارد را مردود می دانند. این عده معتقدند که اجتهاد در مقابل نص جایز نیست، خصوصاً در قوانین کیفری که تفسیر آن به صورت مضیق

۲- محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۶۱

۲- من جمله مواد ۱۰، ۸، ۲، ۱ قانون مسئولیت مدنی.

۱- مواد ۵، ۴ و ۶ قانون مسئولیت مدنی.

را این گونه تعریف کرده است: «جزایی که قانون آنرا برای مصلحت جامعه واجب گردانیده علیه کسی که مرتکب یکی از جرایمی می شود که در قانون بیان شده است.»^{۲۲} قانون مجازات اسلامی، جرم را هر فعل یا ترک فعلی دانسته که در قانون برای آن مجازاتی تعیین شده باشد.^{۲۳}

حقوقدانان ویژگی هایی را برای کیفر برشمرده اند که اهم آنها به شرح زیر است:

الف) قانونی بودن مجازات: علاوه بر اینکه جرمی در قانون باید شناخته شود مجازات نیز به طور معین و شخص در قانون برای آن ذکر شود وحتی اگر حداقل و حداکثری هم تعیین شود باز هم نوع و مقدار آن باید مشخص شود.^{۲۴} قانونی بودن کیفر به این معناست که کیفر، پیش از ارتکاب جرم، در قانون معین شده باشد و مجرم پیش از ارتکاب جرم باید از آن جرم آگاهی داشته و نسبت به آن انداز شده باشد.

ب) شخصی بودن کیفر: هدف اصلی مجازات، بازدارنگی و تنبه مجرم می باشد، پس ضروری است که در مورد خود مجرم اعمال شود چنانچه آیه «لَا تَزِرُ وَازِرَةً وِزْرَ أُخْرَى»^{۲۵} نیز دلالت بر این اصل دارد و کلیه نظامهای حقوقی این اصل را پذیرفته اند.

است.^{۱۹} عده ای دیگر عقیده دارند که دیه بیشتر جنبه مدنی دارد. این عده چنین استدلال می کنند که خساراتی که مجنی علیه بوسیله دادخواست، به دادگاه کیفری ارائه می دهد به منظور جبران ضرر و زیان وارده است.^{۲۰} دیه مجازات نیست، زیرا در جرایم خطاء محض، پرداخت آن به عهده عاقله می باشد، نه خود مرتکب جرم و به لحاظ رعایت «اصل شخصی بودن مجازات» دیه را می توان امر حقوقی دانست، نه کیفری.

گروه سوم معتقد به نظر بینابین می باشند و اعتقاد دارند که دیه در جرایم عمد و شبه عمد از این جهت که مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبه عمد خود قاتل است، جنبه کیفری دارد و در جرایم خطای محض چون عاقله عهده دار پرداخت دیه می باشد، جنبه حقوقی دارد و قانونگذار نیز به تناسب جرم واقع شده، ماهیت آن را تعیین کرده است.

دو نظر متفاوت نیز مطرح گردیده است، که در مقاله حاضر، هر پنج نظریه به اختصار بررسی گردیده و همچنین خصوصیات دیه با مسئولیت کیفری و مدنی مقایسه می شود.

نظریه ماهیت جزایی (مجازات بودن دیه)

حقوقدانان کیفر را واکنشی دانسته اند که جامعه در قبال اعمال مجرمانه از خود نشان می دهد.^{۲۱} کامل مرسی، کیفر

۳- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

۴- ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۹۲ و ۴۰.

۵- انعام، ۱۶۴.

۱- رضا نوریه، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۱۶.

۲- عباسعلی محمودی، حقوق جزایی اسلام، تهران، انتشارات نهضت، ۱۳۵۹.

۱- ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۳۲۱.

۲- کامل مرسی، شرح القانون عقوبات، ج ۲، ص ۲۶۶.

ج) رنج آوری: یکی دیگر از ویژگی های کیفر، عذاب و دردی است که بزهکار باید آنرا تحمل کند. عقیده بر این است که رنج و محنت مجازات، گناهکار را پاک می گرداند. در رزگار ما نیز کیفر های بدنی مانند تازیانه و قطع عضو واجد همان خصوصیت آزاردهندگی است.^{۲۶}

رسوا کنندگی: اجرای مجازات، محکوم علیه را در میان مردم انگشت نما می سازد و اعتبار و حیثیت اجتماعی او از بین می رود. دشواریهایی که بزهکار عموماً با آن روبه رو است، دقیقاً پس از اجرای مجازات ظاهر می شود.

و) معین بودن: هدف های مجازات زمانی تحقق پیدا می کند که مجازات ثابت و مشخص باشد، تعیین نوع و میزان مجازات، محکوم علیه را از هرگونه خود سری و میل و نظر مجریان احکام کیفر مصون خواهد داشت.

حال که برخی از خصوصیات کیفر بیان گردید می توان بین دیه و کیفر مقایسه ای داشت:

۱- دیه در جنایات عمدی: در جنایات عمدی، دیه به عنوان بدل اختیاری جایگزین قصاص می شود. به این صورت که پس از محکومیت جانی به قصاص با توافق طرفین یعنی رضایت اولیاء دم و توافق جانی (مواد ۱۶، ۳۶۱ و ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی) مجازات قصاص به دیه کامله یا به کمتر یا زیادت از آن تبدیل می شود.

باتوجه به سازوکار تبدیل قصاص به دیه در این نوع از جنایت و با عنایت به اینکه علت اصلی در این تبدیل، توافق وضایت طرفین می باشد و از آنجا که طرفین می توانند بر کمتر یا بیشتر از مقدار دیه نیز توافق کنند به نظر می رسد موضوع به مسئولیت قراردادی نزدیک شده و با اندکی تسامح، عمل حقوقی انجام یافته را می توان عقد صلح نامید. بنابراین ضرورتی در مقایسه آن با کیفر وجود ندارد زیرا تفاوت بارز و آشکاری با آن دارد و ضمن آنکه جواز تعزیر جانی پس از سقوط قصاص و در کنار پرداخت دیه بدلی، این نظریه را تأیید می نماید.^{۲۷}

۲- دیه در جنایات شبه عمد: در جنایات شبه عمد، دیه به محض وقوع جنایت در حق مجنی علیه یا اولیاء دم او تحقق می یابد (ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی). تفاوت های اساسی بین دیه منظوره در جنایت شبه عمد با کیفر وجود دارد که به بیان ذیل می باشد:

الف) جزای نقدی باید به دولت به عنوان نماینده عموم پرداخت گردد در حالیکه دیه در حق مجنی علیه یا اولیاء دم او منظور شده است.

ب) در کنار دیه میتوان تعزیر را نیز جهت زجر و اصلاح جانی در نظر گرفت در حالیکه قاعداً برای یک عمل نمی توان مجازات متعدد اعمال نمود.

ج) در تعدد جرایم تنها مجازات یک جرم را بر مجرم اعمال و اجراء میشود هر چند ممکن است این مجازات مشدد باشد.

۱- میر سعیدی، ماهیت حقوقی دیه، ص ۹۳

۶- محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۳۱.

مطلب می باشد که در این نوع از جنایت، عاقله عهده دار دیه بیشتر از موضعه است (مواد ۴۶۶ و ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی).

تفاوت های اساسی بین دیه خطاء محض با کیفر وجود دارد که به قرار ذیل می باشد:

الف) هدف اصلی در مجازاتها ، بازدارنگی و اصلاح مجرم می باشد و عدالت کیفری نیز ایجاب می نماید اصل شخصی بودن بر مسئولیت کیفری حکمفرما باشد، ولی در جنایات خطای محض، گاهی عاقله مسئول پرداخت دیه است که هیچگونه دخالت مستقیم و یا غیر مستقیمی در وقوع جنایت نداشته است.

رکن معنوی از ارکان تشکیل دهنده جرم است ولذا در وقوع آن ، وجود قصد مجرمانه ضرورت دارد و در صورت فقدان آن ، مجازاتی نیز اعمال نخواهد شد ولی در جنایات خطای محض اصلاً قصد جنایت و فعل مجرمانه مطرح نیست، درحالیکه بر عمل وی آثاری بار شده است.^{۲۹}

ب) در اجرای مجازاتها، اهلیت مجرم نیز شرط است و در صورت عدم اهلیت مجرم، مجازات در خصوص وی اعمال نمی شود هر چند ممکن است به عنوان تأدیب ، تنبیهات نیز منظور گردد اما نمی توان آنها را از موضوعات مجازات و مسئولیت کیفری دانست. در حالیکه قانونگذار جنایات صغار و مجانین

اما در هر صورت عنوان واحده دارد، ولی در دیات خواه با فعل واحد و خواه در اثر جنایات متعدد ، اگر جراحات و نقایص متعددی بر مجنی علیه وارد آید بر همه آنها دیه تعلق خواهد گرفت.^{۲۸}

د) هرگاه متهم در اثنای دادرسی فوت نماید کیفر ساقط خواهد شد، اما با فوت جانی، دیه ساقط نمی شود بلکه به ترتیب از مال جانی و در صورت عدم کفایت مال جانی، از بیت المال قابل مطالبه است (ماده ۴۷۴ قانون مجازات اسلامی) زیرا به محض وقوع جنایت، دیه به صورت «دین مالی» بر ذمه جانی مستقر می شود. بنابراین چه جانی پیش از قطعی شدن حکم پرداخت دیه و چه پس از آن فوت کند، در هر حال مجنی علیه یا وراث او حق دارند علیه ورثه جانی اقامه دعوا نموده مطالبه دیه از مال جانی نمایند. این تفاوت به روشنی ، دوری دیات را از محدوده مجازات نشان می دهد.

با توجه به تفاوت های مذکور ، نمی توان دقیقاً در این نوع جنایت ، دیه را از عناوین مسئولیت کیفری محض قلمداد کرد.

۳- دیه در جنایات خطاء محض: هرگاه جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته و نه قصد فعل واقع شده بر او را اصطلاحاً جنایت را خطاء محض می نامند. ضمن اینکه قانون، جنایت های عمدی و شبه عمدی صغیر و مجنون و فرد در حال خواب و بی هوش را نیز به علت نداشتن قصد و نیت مجرمانه به منزله خطأ محض دانسته است (ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی). نکته ای که قابل بیان است این

را به منزله خطای محض قلمداد و دیه آنرا به عهده عاقله گذاشته است.

از مقایسه بین دیه و کیفر میتوان یافت که دیه، کیفر محض نبوده و اصول کلی مسئولیت کیفری را نمی توان به آن تعمیم داد ولذا عمل قانونگذار در ذکر دیه تحت عنوان مجازاتها در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی فاقد وجهه علمی و حقوقی است. لکن به شرح ذیل به بیان نظریه ماهیت مجازات بودن دیه با ذکر ادله قائلین به این نظر و اشکالات وارده به شرح ذیل می پردازیم.

ادله قائلین نظریه :

اول سیر قانونی موضوع بدین شرح که با توجه به مصوبات قانونی قبل از اسلام ، مسأله دیه برای تنبیه متهم و دلجویی از مجنی علیه مطرح گردیده و به عنوان مجازات و کیفر معرفی شده بود. پس از تشریع دیه در اسلام، با وضع قوانین اسلامی ، دیه بعنوان مجازات در کنار مجازات های دیگر ذکر گردید. ماده یک قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ مقرر می دارد که « دادگاه های کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرائمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر بوده و در صلاحیت دادگاههای دیگر نباشد، رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نمایند: ۱-حدود ۲-قصاص ۳-دیات ۴-تعزیرات ۵-مجازاتهای بازدارنده» از مواد ۱، ۱۲ و ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی سابق نیز مجازات بودن دیه عیان است و با تصویب قانون مجازات

اسلامی در سال ۱۳۹۲ قانونگذار صراحتاً در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی دیه را در زمره مجازاتها منظور کرده است.

دوم استناد به عرف بدین توضیح که در مراجعه به عرف و سؤال از چیستی و ماهیت دیه، عرف نیز معتقد به مجازات بودن دیه بوده که بر مجرم اعمال می شود.

سوم استناد و استدلال به آیه شریفه « جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا »^{۳۰} می باشد بدین توضیح که مدلول آیه این است که هرگاه شخصی ، بدی کرد جزای او بدی مانند آن است. لکن اگر مجنی علیه بخواهد با احسان به جانی تخفیف دهد تکلیف چیست؟ شرع با وضع دیه راهکار مناسبی را پیشبینی کرده است. در صورت رضایت مجنی علیه می توان از قصاص گذشت و دیه دریافت نمود لذا در حقیقت دیه هم نوعی مجازات بوده لکن مجازاتی خفیف تر از قصاص.

چهارم اینکه در جنایت شبه عمد که فاعل قصد فعل داشته، ولی قصد تلف حاصل از آنرا ندارند (ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی) ، فعل مقصود گاهی مشروع است و گاهی نامشروع است. در هر دو صورت فاعل، ضامن دیه ناشی از تلف است و مشروع و نامشروع بودن عمل، تأثیری در اصل ضمان دیه ندارد واز همین جاست که قانونگذار در ماده ۴۶۲ قانون فوق الذکر مقرر داشته که «دیه جنایت عمدی و شبه عمدی بر عهده خود مرتکب است.»

پنجم اینکه میزان دیه بر خلاف خسارت در شرع و قانون مشخص گردیده است لذا با توجه به مشخص بودن نوع و

نهم اینکه در مورد جنایت بر میت تکلیف به پرداخت دیه شده است (ماده ۷۲۲ قانون مجازات اسلامی). خسارت بر میت معنی ندارد لذا آنچه بعنوان دیه پرداخت می‌گردد بعنوان مجازات ارتکاب عمل شنیع و حرام توسط مجرم است. البته برخی بر این استدلال اشکال نموده اند که دیه جنایت بر میت با دیه جنایت بر انسان زنده چرا که اولاً به ورثه به ارث نمی رسد (تبصره ماده فوق) ثانیاً برخلاف سایر دیات، این موضوع مشخص نبوده که در فرض خطایی بودن جنایت باز هم دیه پرداخت می شود یا خیر.

دهم تغلیظ دیه بدین توضیح که وقوع قتل در ماه های حرام یا اماکن خاص موجب تغلیظ دیه می گردد (ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی). تغلیظ دیه به دلیل حرمت ماه های حرام یا مکان های مقدس است که این امر دلالت بر مجازات بودن تغلیظ است چراکه اگر دیه خسارت می بود زمان و مکان دخالته در آن نداشت. البته برخی برآنند که فلسفه تغلیظ دیه حرمت بیشتر مقتول در ماه های حرام یا در اماکن خاص است. به همین دلیل است که در قتل غیر عمدی هم تغلیظ دیه وجود دارد.

نظریه ماهیت جبرانی دیه (جبران خسارت بودن دیه)

مطابق این نظریه دیه ماهیت صرفاً مدنی داشته و برای جبران خسارات بدنی تعیین شده است. « هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او

میزان دیه ، طبیعتاً از انواع مجازات است چرا که میزان خسارت وارده بعد از وقوع سبب خسارت مشخص می‌گردد.

ششم دیه چنانچه دارای ماهیت خسارت باشد باید حین اجرای آن، حق اجراء اخذ شود در حالی که دیه همچون سایر مجازات ها بدون پرداخت حق اجراء به اجراء در می آید.

هفتم بدل مجازات بودن دیه بدین توضیح که در برخی مواقع دیه بدل از مجازات قرار می‌گیرد و هر آنچه بدل از مجازات باشد خود نیز مجازات است. موردی که در قتل عمد اولیای دم با گذشت از قصاص قاتل به دریافت دیه رضایت می دهند یا در موردی که به هر دلیل قصاص قابل اجراء نباشد دیه جایگزین آن می گردد. البته بر این دلیلی خدشه وارد است چرا که در فرض گذشت اولیای دم در واقع آنها از مجازات قاتل صرف نظر می کنند و در این فرض دیه بدل قصاص قرار نمی گیرد بلکه آنچه مورد توافق است وجه المصلحه است که میتواند به میزان دیه یا کمتر و یا بیش از دیه باشد. ودر موردی که تعذر از قصاص وجود دارد بدلیل وجود عذر در اجرای مجازات ، قصاص ساقط است و دلیل پرداخت دیه حرمت خون مسلمان است نه بدل بودن از مجازات.

هشتم اینکه پرداخت دیه جنبه تنبیهی دارد یعنی مجرم با پرداخت آن دچار مشقت و سختی می شود و یکی از آثار مجازات تنبیه مجرم است. لکن این دلیل نیز تام نمی باشد چرا که در پرداخت غرامت مالی و جبران خسارت نیز محکوم دچار مشقت است و لذا نمی توان گفت تنبیه لزوماً از اوصاف مجازات است.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

مسئولیت مدنی دارد.^{۳۱} برای تحقق مسئولیت مدنی در همه
حال وجود سه عنصر ضروری است. ۱. وجود ضرر ۲. ارتکاب
فعل زیان بار ۳. رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که
وارد شده است.

در بیان ضرر یا خسارت گفته شده است: «در هر جا که
نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا
به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه وارد آید می
گویند ضرری به بار آمده است.»^{۳۲} به طور کلی می‌توان زیان
های مشمول مسئولیت مدنی را به دو گروه زیان های مادی
و معنوی تقسیم نمود. باید دانست که تعیین مرز بین ضرر
های مادی و معنوی به طور قاطع امکان ندارد، زیرا بسیاری از
صدمه های روحی و اخلاقی باعث ایجاد زیان های مادی نیز
می‌شود و در روابط مالی شخص با دیگران نیز آثار نامطلوب
دارد همچنین است در موارد نقایص عضوی انسان. در این
مقام مقایسه بین دیه و مسئولیت مدنی ضروری بنظر می‌رسد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در
اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه
نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ۱. فارسی
- ۱. عارفی مسکونی محمد، ماهیت حقوقی دیه، تهران: دانشور، ۱۳۸۲ (چاپ اول)
- ۲. اردبیلی محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵ (چاپ سیزدهم)
- ۳. آشوری محمد، آیین دادرسی، ج اول، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳ (چاپ یازدهم ۱۳۸۵)
- ۴. صادقی محمدهادی، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶ (چاپ یازدهم)
- ۵. آقایی نیا حسینی، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶ (چاپ سوم)
- ۶. کاتوزیان ناصر، الزامهای خارج از قرارداد ضمان قهری، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ (چاپ هفتم)
- ۷. خمینی روح الله، تحریرالوسیله، ج چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ (چاپ بیست و دوم)
- ۸. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- ۱۰. امی احمد، مقاله ماهیت نهاد دیه از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۱. شریفی علی و حاجی ده آبادی احمد، مقاله کاوشی نو در ماهیت دیه از منظر فقه اسلامی، پژوهش های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰.

- ۱۲. میر مدرس سید موسی، مقاله مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال بیستم، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۲.
- ۱۳. کوهی اصفهانی کاظم، مقاله بررسی ماهیت حقوقی دیه، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵.
- ۱۴. خزاعی مجید، مقاله ماهیت حقوقی دیه، فصلنامه فدک، سال اول، شماره یک.
- ۱۵. شکری رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، چاپ گلبان.

-

